

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

دی ماه ۱۳۹۳ ژانویه ۲۰۱۵

شماره ۱۰۲

toufan@toufan.org www.toufan.org

گزارش تازه ای از ایران در مورد گسترش فقر و گرانی و دزدیهای کلان دولتی



سفره خالی در شب یلدا

«گرانی کار خداست!»

دو خبر مهم در مورد دو پیروزی مهم

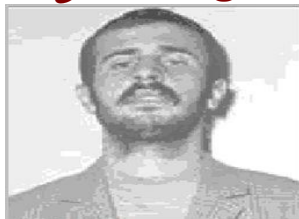
"رابطه آمریکا با کوبا و اتحادیه اروپا با سازمان حماس"



اطلاعیه حزب کارایران (توفان)

از زندانیان سیاسی اعتصابی ارومیه و مطالبات برحقشان حمایت کنیم

یادی از رفیق حسین عزتی کمره ای



حسین عزتی کمره ای

بی ضرر کردن کارل مارکس و بازگشت به او



گزارش مختصری از بیستمین سالگرد کنفرانس بین المللی در ترکیه

گزارش تازه ای از ایران در مورد گسترش فقر، فحشا، فساد، دزدیهای کلان دولتی و شرایط زندگی زحمتکشان

در حال حاضر مساله تأمین هزینه زندگی به مساله محوری مردم ایران بدل گشته است. از یکسو تورم و گرانی موجود باعث کاهش بیش از پیش قدرت خرید مردم شده است و از سوی دیگر بیکاری مزمن گریبان میلیون ها تن از کارگران، زحمتکشان و کارمندان میهن ما را در چنگتال مخوف خود میفشارد. طبق آماري که دست اندر کاران نظام اسلامی ایران منتشر ساخته اند، در حال حاضر بیش از ۱۰ میلیون نفر (که بدون تردید رقم واقعی خیلی بیش از اینهاست) بیکار در کشور موجود است.

علاوه بر این بسیاری از مؤسسات و شرکت های اقتصادی، چه دولتی و چه خصوصی از پرداخت حقوق کارگران و کارمندان شاغل عاجزند. آنها باید ماه ها در انتظار دریافت حقوق معوقه خود بمانند و با گرسنگی دست و پنجه نرم کنند.

حتی اکثر کارگران و کارمندانی که موفق به دریافت حقوق ماهانه خود می شوند نیز قادر به تأمین معیشت خود و خانواده شان نیستند. در بسیاری از موارد حقوق آنها، کفاف هزینه مسکن، گاز، برق و آب مصرفی را نمیدهد، تا چه رسد به سبد غذایی لازم. مرکز آمار ایران حداقل هزینه برای یک خانوار ۴ نفره در سال جاری را یک میلیون و هشتاد هزار تومان برآورد کرده است، در صورتی که برخی از کارشناسان اقتصادی طبق آخرین محاسبات هزینه یک خانوار ۴ نفره را ماهی ۲ میلیون و ۹۰ هزار تومان تخمین زده اند، به شرط آن که از تعاونی ها و یا بازار روز خرید کنند. این را نیز بیا فزاییم که وزیر کار دولت روحانی اخیرا بزرگواری نموده و متوسط حقوق را یک میلیون تومان معین کرده است. (منبع همشهری). در همین رابطه خبرگزاری مهر نوشت: «عادل آذر، رئیس مرکز آمار ایران، در تازه ترین اظهارات خود با اعلام تغییرات جدید، هزینه یک خانوار روستایی در ایران را یک میلیون و ۹۲ هزار و ۵۰۰ تومان و هزینه یک خانوار شهری را یک میلیون و ۸۲۲ هزار تومان برآورد کرده است. حتی قبلا هادی ابوی، عضو هیئت مدیره «کان،ون عالی انجمن های صنفی کارگران ایران» در این مورد به مهر گفته بود: «بررسی ها نشان میدهند که هزینه یک خانوار ۴ نفره کارگری در بهار امسال ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بوده است.» (تکیه از توفان)

در ۷ آبان ۱۳۹۳ همشهری با اشاره به هزینه فوق الذکر اعلام میکند که دستمزد کمتر از این ارقام به معنی قرارداشتن خانوارها زیر خط فقر به شمار می آید.

حتی برخی از دست اندرکاران کارگری حداقل هزینه برای تأمین معیشت یک خانوار ۴ نفره را ۱۰۰۰ دلار (یعنی ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان) معین کرده اند. در نتیجه اگر در نظر بگیریم که حد متوسط دستمزد در کشور ما کماکان همان ۶۹۰ هزار تومان است، آنگاه به این واقعیت تلخ پی خواهیم برد که علیرغم اعلام آمار و ارقام بالا، اکثریت مطلق جامعه، حتی اگر شاغل هم باشند، زیر خط فقر به سر میبرند. تا چه رسد به آنها که با اختاپوس بیکاری دست و پنجه نرم میکنند. آیا با توجه به تورم و گرانی موجود میتوان تصور کرد که هزینه های حداقل و اجتناب ناپذیر، نظیر اجاره سرسام آور مسکن، گاز، برق، آب، خوراک، پوشاک، درمان، تحصیل و ... را با ۶۹۰ هزار و یا یک میلیون و یا حتی دو میلیون تومان تأمین کرد؟

گسترش بیکاری

در مورد تعداد بیکاران معلوم نیست که رقم واقعی چقدر است. در بالا به رقم ۱۰ میلیون بیکار اشاره کردیم. ولی بانک مرکزی اخیرا اعلام داشت که «در ۲۴ درصد خانوارهای ایرانی هیچ فرد شاغلی وجود ندارد». به دیگر سخن یک چهارم جمعیت ایران - به گفته رژیم - از منبع درآمدی بهره مند نیستند. و چنان که از شواهد امر پیداست، با ادامه تحریم ها، سقوط ارزش ریال، کاهش ۴۰ درصدی قیمت نفت، تورم و گرانی، تعطیل شدن مراکز تولیدی و اقتصادی روزبروز بر تعداد بیکاران افزوده خواهد شد. اخیرا محمد علی ابریشمی، معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت اظهار داشت که بین سالهای ۸۴ تا ۹۳، ۱۴ هزار کارخانه در ایران تعطیل شده اند. ۲۲ هزار واحد صنعتی با ظرفیت پایین ۵۰ درصد کار میکنند. ۲۴ هزار واحد از ظرفیت ۵۰ تا ۷۰ درصد برخوردارند. حتی در دوران کوتاه حاکمیت دولت «تدبیر و امید» بنابر اظهارات ابریشمی ۵۴۰۰ کارخانه ورشکسته یا تعطیل شده اند. علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر، اعلام کرد: تنها در یک هزار واحد تولیدی ۱۰۰ هزار کارگر اخراج شده اند.

و بالاخره محمد باقر نوبخت، سخنگوی دولت روحانی اخیرا اعلام کرد که از ۸۴۱ واحد تولیدی در کشور تنها ۱۹۲ واحد فعال است که برخی از آنها تنها ۴۰ درصد از ظرفیت تولید خود، محصول تولید میکنند. به دیگر سخن ۶۲۹ واحد تولیدی دیگر در شرف تعطیلی اند.

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

همان گونه که قبلا اشاره شد حتی شرکت های «فعال» نیز قادر به پرداخت حقوق کارگران و کارمندان خود نیستند. در چنین شرایطی که دامنه فقر و محرومیت و گرسنگی روزبروز گسترش می یابد، آیا تعجب آور خواهد بود که روز به روز تکدی گری، دزدی، فحشا، اعتیاد در ایران گسترش یابد؟

عمق فاجعه بیش از اینهاست. بیش از ۲۰۰ روستا در سیستان و بلوچستان خالی از سکنه اند. تکدی گری و اعتیاد که منبع درآمد برای جمع وسیعی از مردم میهن ما گشته است، جمعیت روستا را به شهرها میکشاند. این پدیده چهره شهرهای ایران را روز بروز مکدر تر و غم انگیز تر کرده است.

در چنین شرایط اسفباری روحانی رئیس دولت «تدبیر و امید» به جای چاره جویی و راه یابی اساسی برای ایجاد فرصت شغلی، به این نتیجه مشعشعانه میرسد که «مشاهده پدیده تکدی گری و اعتیاد در شهرهای کشور زبینه ایران اسلامی نیست!» و دستور «پاکسازی شهرها را از این معضلات داد»!!! و از «وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت کشور، نیروهای انتظامی، شهرداری ها و مسئولین محلی خواست تا پاکسازی چهره شهرها از این پدیده ناهنجار اجتماعی را با جدیت دنبال کنند.» تو گوئی با توسل به زور و قهر چهره شهره ها از تکدی گری و اعتیاد پاک میشود و این پدیده های ناهنجار از «ایران اسلامی» به یکباره رخت بر خواهد بست! آری رئیس دولت «تدبیر و امید» به معنی واقعی کلمه «سنگ را میبندد و سگ را رها میکند».

زدیهای کلان

فراموش نکرده ایم که در شهریور ۱۳۹۰ رسانه های کشور از سرقت بزرگ ۳ هزار میلیاردی توسط شخصی به نام مه آفرید امیر خسروی از شبکه بانکی خیر دادند و در همین رابطه رئیس دزدها، محمد رضا خاوری مدیر عامل بانک ملی ایران به کانادا گریخت و در قصر خود سکنی گزید!

جالب تر اینکه سید محمد پور محمدی که قائم مقام آن زمان بانک مرکزی بود وبدون شک در این دزدی بزرگ سهیم بود، اکنون معاون نوبخت، رئیس فعلی این بانک است. چندی پیش لیست دزدان باند احمدی نژاد که هر یک بین ۱۳۰۰ تا ۷۰۰۰ میلیارد تومان اختلاس کرده اند، انتشار یافت که عبارتند از: بابک زنجانی، امیر منصور آریان، حمید بقایی (معاون احمدی نژاد)، اسفندیار رحیم مشایی، دانشگاه ایرانیان متعلق به احدی نژاد، سعید مرتضوی، صادق محصولی، سید حمید پور محمدی، رحیمی معاون اول احمدی نژاد، پوستین دوز مدیر عامل سابق سایپا.

علاوه بر این ارسلان فتحی پور، رئیس کمیسیون اقتصاد مجلس از رانت ۷ هزار میلیارد تومانی سه صراف با همکاری بانک مرکزی خبر داد و گفت: «سه صراف در سال ۱۳۹۰ با همکاری بانک مرکزی ۷ هزار میلیارد تومان سود کرده اند.» کسی نمیداند بر سر ۸۰۰ میلیارد دلار پول نفت که در دوران احمدی نژاد حیف و میل شد، چه آمده است. کسی به دنبال کشف واقعیات نیست که چه کسانی به بهانه دور زدن تحریم ها میلیارد ها به جیب مبارک زدند و هنوز هم هوادار تحریم ها هستند. این دزدان با گردنی افراشته هنوز هم تحریم ها را با تاسی به رهبرشان «نعمت الهی» و نشانه «پیشرفت و ترقی و خودکفا شدن کشور میدانند». کسی به دنبال رسیدگی به تاراج مؤسسات و شرکت های دولتی تحت نام خصوص سازی در دوران احمدی نژاد نیست. آنها که بورسیه های کلان تحصیلی گرفتند و به جیب مبارک نهادند بدون هیچ پی گرد قانونی درصدد دزدی های بعدی اند.

چپاولگران آزادانه در کشور در کیمین رانت خواری و زدیهای بزرگ تر نشسته اند. برخی از آنها برای اینکه «نذر» شان اداء شود تنها خرج خورش قیمه شان در یک شب ماه محرم ۵ میلیون و ۸۵۰ هزار تومان میشود (همشهری آنلاین) ناصر سراج، رئیس سازمان بازرسی کل کشور طی روزهای گذشته از مدیری نام برد که ۱۲ میلیارد تومان حق مأموریت گرفته و ۵۰۰ میلیون تومان به عنوان هزینه غذا از بین المال برداشت کرده است. در صورتی که یک ساعت مأموریت هم در سوابق کاری او دیده نمیشود. نام این شخص «مهرزاد خرد» است. خرید هتکارها زمین مرغوب با سوء استفاده از بیت المال در شهرستان مرودشت و انتقال آن به نام همسر خود، اخیرا خانه مجللی به قیمت ۱۲ میلیارد تومان در معالی آباد شیراز خریداری کرده است. او از «اسپانسر» های مالی ستاد انتخاباتی محمود احمدی نژاد در فارس بشمار میرفت. از اصول گرایان نزدیک وی، رقم حمایتی مهرزاد خرد از این ستاد را حدود یک میلیارد تومان اعلام کرده اند. او تنها یکی از مدیران دولت پاکدست احمدی نژاد بود. «وقتی با ایشان دست میدادیم دستت را محکم فشار میداد و صلوات میفرستاد!» چند ماه قبل به همراه سه نفر دستگیر و سپس آزاد شدند. او دارای ارتباط خاص با حائری شیرازی نماینده ولی فقیه و امام جمعه شیراز است.

مهرزاد خرد ۲۰۰ هکتار از اراضی مرغوب «جاده خرامه در ۱۵ کیلومتری شیراز را پس از واگذاری به حائری شیرازی و تبدیل آن به باغ توسط نماینده ولی فقیه به قیمت گزاف به فروش رسانده است.

واگذاری اراضی «صدر» و «سیاخ دارگون» به نماینده ولی فقیه با مبلغ نازل. اینها تنها گوشه ای از غارت و چپاول کشور است. طی ده روز گذشته مطبوعات تهران از یک اختلاس جدید ۱۲ هزار میلیارد تومانی خبر میدهند.

اتوموبیل‌های مازراتی و «بچه پولدارها»

فرزندان آنها که به «بچه پولدارها» معروف شده اند، بی پروا زندگی پر تجمل خود را به رخ دیگران میکشند. اتوموبیل‌های مازراتی و بی.ام.و پنج میلیارد تومانی، ساعت‌های مچی یک میلیارد تومانی، کشیدن سیگار با اسکناس‌های ۱۰۰ دلاری، نگهداری حیوانات وحشی نظیر تمساح، شیر و پلنگ در باغ وحش‌های خصوصی شان، خانه‌های ۲۰۰ میلیارد تا ۵۰۰ میلیارد تومانی را در وسایل ارتباط جمعی کشور از سایت‌ها گرفته تا روزنامه‌ها در معرض دید عموم قرار میدهند. قیاس این زندگی با زندگی اکثریت جامعه که در زیر خط فقر خم کرده و به هر خفتی از جمله تکدی‌گری و فحشا روی می‌آورد، کار سختی نیست. رئیس‌جمهور تدبیر و امید اما به جای کوشش در جهت تعدیل دره بین فقر و ثروت، دستور پاکسازی شهرها از تکدی‌گری و فحشا و اعتیاد را میدهد. نادر فتوره چی روزنامه نگار چه خوب مینویسد: «نو کیسه گان و بچه سردارها و فرزندان پاک نهاد «بخش خصوص نازنین» و کار آفرینان «مظلوم» ما را به تماشای زرادخانه تسلیحات برآشنان فرا میخوانند. به ما می‌گویند: «ما این صفحه (سایت ایستاگرام) را ایجاد کردیم تا نشان دهیم زندگی در ایران همیشه هم بد نیست» آنها نمیدانند که پیش از این بارها گفته شده «وقتی می‌گوییم همیشه هم بد نیست» بلافاصله باید بپرسیم برای چه کسی؟ آنان غارت سازمان یافته «لشکر مخلص» و «پدران خدمت» شان را در هیات «سلفی با حمام کریستال» و «ساعت مچی نگین کاری» و پورشه پلنگ نشان» و انواع و اقسام عملیات جراحی پلاستیکی در اقصی نقاط بدن و ... با دیگران به «اشتراک» گذاشته اند. آنها هم میخوانند دیده شوند... میخوانند جبروت پوک بر خاسته از رانت «دولت عدالت گستر و حامی پا برهنگان» را تماشای و تحسین کنیم. آنها درست در دورانی که سقوط به زیر خط فقر به یک تار مو وصل است: به هزینه یک شیمی درمانی، به جمع کردن یک جهیزیه، به قیام و قعود دلالت و سفته بازان در دفاتر املاک بر سر رشد قیمت اجاره خانه، و حتی به تغییر شبانه بهای یک قرص نان «.

آری در مملکتی که بچه پولدارها، بچه پیرانی که «اکثرا رو پیشونی باباشون جای مهر داره» با پولهای دزدی و رانت‌های میلیونی چنین زندگی مجالی برپا ساخته اند، دستگاه قضایی اش دو جوان را به خاطر فقط ۷۰ هزار تومان دزدی اعدام میکنند! و رئیس‌جمهور «تدبیر و امید ش» دستور جمع آوری قه‌ری متکدیان را از سطح شهرها میدهد.

مظاهری از فقر و فحشا در تهران

من خود شاهد فقر و فحشا در شهر تهران و سایر شهرها هستم. در سرمای سیاه زمستان، با لباسی نازک و ژنده، کودکان خردسال، زنان بچه به بغل، زنان و مردان معلول در خیابانها و سر چهارراه‌ها جلوی عابرین و اتومبیل‌ها را سد میکنند و ناله سر می‌دهند که به نان شب محتاجند.

چندی پیش شاهد بودم که دختر بچه حدود ۱۰ ساله‌ای که در داخل مترو تکدی‌گری میکرد رو به مردی که کیسه‌های پلاستیکی خریدش را حمل می‌کرد نمود گفت: «عمو یک تکه پلاستیک به من میدی؟ آخه داره بیرون بارون می‌زنه من خیس می‌شم.» فردی که بغل دست من نشسته بود می‌گفت:

«اکثر اینا یا از روی نا علاجی از طرف پدر و مادرشان به این کار وادار می‌شن، یا از طرف باندی که کودکان بی سرپرست را اجیر کرده و به تکدی‌گری وامی‌دارند.» و بعد ادامه داد: «من خودم شاهد بودم یک روز یکی از گردانندگان این باندها کودکی را به قصد کشت میزد که چرا مبلغ کمی گدایی کرده است.»

در متروی تهران علاوه بر تکدی‌گری لاینقطع شاهد پدیده جدیدی به نام دست فروشی هستیم. از صبح تا شام به صدها دست فروش برمیخوریم که بی وقفه مشغول فروش آدامس، کفی کفش، مسواک، خمیر دندان، نخ دندان، ناخن گیر، خودکار، باطری، صلوات شمار (!!) و .. هستند.

این جمع وسیع یا در زمره بیکارانند و یا بخشی از چند شاغلانی هستند که با داشتن یک شغل هرگز از پس مخارج زندگی برنمی‌آیند. روزی ساعت ۴ بامداد که با اتوموبیل کرایه‌ای عازم سفر بودم و از خیابان مفتاح (تخت طاووس قدیم) میگذشتم، در فاصله ۳۰ تا ۵۰ متری زنان به شدت آرایش کرده بی شماری را دیدم که در انتظار «مشتری» به سر می‌یروند. در همان شب در منطقه جنوبی تر تهران بر سر هر تقاطعی معلولین زن و یا مرد با و یا بدون صندلی چرخ دار را مشاهده کردم که مشغول تکدی‌گری بودند.

روزی شاهد بودم که راننده تاکسی که مرا از نقطه الف به نقطه ب میبرد یک گردن‌بند طبی سخت و قطوری به گردن بسته بود. وقتی علت را جویا شدم پاسخ داد که «از دیسک گردن رنج می‌برد.» و اضافه کرد که «نه تنها گردنم را به سختی میتوانم حرکت دهم، بلکه عصب دست راستم هم آسیب دیده به قسمی که دست راستم قادر به حرکت نیست و با دست چپ رانندگی میکنم» گفتم آیا رانندگی با این وضع امکان پذیر است. پاسخ داد: «اگر نکنم چه کنم؟ خرج خانواده را از کجا بیاورم؟» پرسیدم امکان معالجه و یا عمل جراحی نیست؟ گفت: «چرا ولی پولش را ندارم. دکتر جراح گفته است که ۳ تا ۴ میلیون خرج دارد که من ندارم» گفتم این وضع نمیتواند ادامه یابد. گفت: «سنم ۵۵ سال است و حداقل باید ۵ سال دیگر کار کنم و با این وضع بسوزم و بسازم تا به سن بازنشستگی برسم.»

برسم..... آذر ماه ۱۳۹۳

گرانی سرسام آروسفره خالی در شب یلدا «گرانی کار خداست!»



مطبوعات می نویسند: «در چند هفته اخیر قیمت اقلام مختلف خوراکی در ایران افزایش سرم سام آوری یافته است. به ویژه گرانی نان، شیر و مرغ موجب نارضایتی عمومی شده است.

در ماه‌های اخیر قیمت نان‌های مختلف سی درصد افزایش قیمت داشته و دولت نتولیرال حسن روحانی برای جبران هزینه افزایش قیمت نان و عده‌های توخالی به مردم داده است. قیمت مرغ نیز در حال حاضر در خلال دو سال اخیر دوبرابر شده است. علاوه بر نان، مرغ و شیر، قیمت برخی مواد غذایی دیگر از جمله میوه و سبزیجات و برنج نیز بالا رفته است.

روزنامه رسمی اعتماد به مناسبت فرارسیدن شب یلدا این شب باستانی و طولانی ترین شب زمستانی که زحمتکشان میهن ما باید جشن بگیرند و سفره‌ای پهن کنند ضمن انتشار گزارش میدانی نوشته‌است «قیمت یلدایی میوه جات نظیر انار و هندوانه در بازار به شدت افزایش یافته‌است». قیمت هر کیلو انار در بازار میوه و تره‌بار با افزایشی در حدود ۵۰۰ تومان و در میوه‌فروشی‌های سطح شهر با افزایشی در حدود ۲ هزار تومان روبه‌رو شده‌است. یکی از حجرمداران بازار میوه و تره‌بار در خصوص تغییرات قیمت میوه در بازار شب یلدا به اعتماد گفته‌است: «قیمت انواع میوه در روزهای اخیر افزایش داشته‌است اما انار صدرنشین افزایش قیمت‌هاست چرا که تقاضا برای این میوه در آستانه شب یلدا به اوج می‌رسد.» وی میزان افزایش قیمت دیگر انواع میوه را بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان عنوان کرده و درباره تفاوت قیمت میوه در سطح شهر تهران با میدان میوه و تره‌بار گفته‌است: «قیمت میوه در نقاط مختلف شهر تفاوت دارد اما بررسی‌ها نشان می‌دهد میوه‌ای که در میدان عرضه می‌شود حداقل ۵۰ درصد ارزان‌تر از میوه‌ای است که در میوه‌فروشی‌هاست.»

به نوشته روزنامه اعتماد، قیمت انار درجه یک در آستانه شب یلدا در بازار ۴ هزار تومان و در مغازه‌های سطح شهر بین ۴ تا ۱۲ هزار تومان است و هندوانه میناب نیز در بازار هر کیلو ۱۵۰۰ تومان و در سطح شهر هر کیلو از ۲ تا ۴ هزار تومان است. نارنگی درجه یک در بازار هر کیلو ۴۵۰۰ تومان و در سطح شهر کیلویی ۶ تا ۸ هزار تومان، سیب درجه یک در بازار هر کیلو ۳۵۰۰ تومان و در سطح شهر بین ۴۵۰۰ تا ۶۵۰۰ تومان، پرتقال تامسون درجه یک نیز در بازار کیلویی ۳۰۰۰ تومان و در سطح شهر ۳۵۰۰ تومان تا ۵۵۰۰ تومان است.

«طبق گزارش ایسنا سرویس اقتصادی - صنعت، معدن، تجارت، شنبه ۲۹ آذر ۱۳۹۳، آجیل شب یلدا در عمده فروشی‌ها از کیلویی ۲۲ هزار تومان شروع می‌شود و تا ۵۲ هزار تومان عرضه می‌شود که در خرده فروشی‌ها حدود ۲۰ درصد به این قیمت‌ها افزوده می‌شود. رییس اتحادیه خشکبار و آجیل‌فروشان تهران مصطفی احمدی نیز در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا با بیان اینکه در شب یلدا معمولاً فروش آجیل مخصوص این شب و تخمه آفتاب‌گردان افزایش می‌یابد، اظهار کرد: «در آجیل شب یلدا معمولاً پسته، مویز، باسلوق، نخودچی، قیصی، مغز بادام و گردو و بسته به سلیقه مغازه‌دار از شکلات و اقلام دیگر نیز استفاده می‌شود و بر اساس نسبت ترکیب این اقلام در آجیل، قیمت آن‌ها متفاوت است. وی با بیان اینکه نرخ کف هر کیلوگرم آجیل شب یلدا در عمده فروشی‌ها از ۲۲ هزار تومان آغاز می‌شود، گفت: سقف قیمت آجیل در عمده فروشی‌ها و در واقع آجیل لوکس شب یلدا ۳۸ هزار تومان است که خرده فروشی‌ها ۱۰ درصد سود و ۱۰ درصد هم هزینه‌های جانبی و حمل و نقل را به این رقم اضافه کرده و از مشتری دریافت می‌کنند. رییس اتحادیه خشکبار و آجیل‌فروشان تهران در پاسخ به اینکه تفاوت قیمت زیادی را در آجیل شب یلدا در مغازه‌های مختلف مشاهده می‌کنیم، اظهار کرد: آجیل شب یلدا قیمت‌های متفاوتی دارد و با توجه به اینکه بعضی از مغازه‌داران مثلاً ممکن است از میزان پسته بیشتری در این آجیل استفاده کنند یا از مغز پسته که کیلویی ۷۰ هزار تومان است استفاده کنند؛ بنابراین به نرخ‌های متفاوتی این آجیل را عرضه می‌کنند.»

روزنامه اعتماد درباره اینکه «سفره یلدا» در سال جاری «چقدر آب می‌خورد»، نوشته‌است: «بررسی‌ها نشان می‌دهد خرید ملزومات یلدایی برای هر نفر چیزی در حدود ۲۰ تا ۴۰ هزار تومان آب می‌خورد. تفاوت قیمت‌ها در هر نقطه از شهر چنین تفاوتی را رقم زده‌است. قیمت آجیل نیز بسته به محل عرضه و کیفیت بین ۳۷ تا ۵۵ هزار تومان گزارش شده‌است. به این ترتیب خرید یک کیلو آجیل، یک کیلو انار و یک هندوانه ۵ کیلویی هزینه‌ای بین ۵۰ تا ۸۷ هزار تومان در بر خواهد داشت» و این در حالی است که «خرید سیب و پرتقال و تهیه شام و... هزینه طولانی‌ترین شب سال را بیش از پیش افزایش خواهد داد.»

افزایش صعودی بهای کالاهای ضروری مردم باور نکردنی است. خط فقر در تهران به بیش از دو میلیون تومان رسیده است درحالی که حداقل حقوق تعیین شده ۶۰۹ هزار تومان است تازه اگر همین هم اجرا گردد. بیکاری گسترده در ایران شرایطی آفریده که یک کارگر بیکار حتی حاضر است با نصف حقوق تعیین شده رسمی استخدام گردد.

از نظر عقل سالم و از نظر علمی علت گرانی را باید در زمینه اقتصادی جستجو کرد. کمبود ارزاق عمومی طبیعتاً به افزایش قیمت کالاها منجر می شود و یا بی ارزش شدن پول ارزش کالا را برای مبادله هم وزن، افزایش می دهد. ولی گرانی از نظر اسلامی و یا حکومت اسلامی مانند زلزله است و کار خداست. گرانی جنبه اقتصادی ندارد و بلای طبیعی است. در مملکتی که به گفته امامش "اقتصاد مال خر" است و ما برای اقتصاد و رفاه و آسایش انقلاب نکردیم، وضع بهتر از این نمی شود و بهتر از این هم نمی شود توضیح داد. دآوری خدا در مورد یک کشور اسلامی که باید علی الاصول مورد لطف و توجهش باشد، به مردم غضب کرده و برای آزمایش آنها بهای کالاهای ضروری را افزایش داده است. آیت الله های نادان و مردم فریب دلایل گرانی را در آسمان و نه در زمین جستجو می کنند. به این جهت راه درمان گرانی همان دست به دامان خدا شدن و چند ورد و آیه خواندن است. ولی مدیران نتولیرال آقای حسن روحانی نظر دیگری دارند و می گویند "اگر مدیریت صحیح وجود داشت نباید چنین گرانی‌هایی را در کشور مشاهده می کردیم."

به این ترتیب دارودسته حسن روحانی همانند دارودسته احمدی نژاد علت گرانی را در فقدان مدیریت کشوری بینند. ولی این بد مدیریتی به گردن کیست؟ به گردن رهبر است، احمدی نژاد است، حسن روحانی است به عهده چه کسی است؟ رژیم جمهوری اسلامی مدتهاست علت گرانی را به گردن تحریم اقتصادی ایران انداخته است و امروز نیز وعده میدهد با کاهش تحریمها تورم کمی نزول و اقتصاد ایران روبه بهبود خواهد رفت. این ارزیابی رژیم نشان می دهد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، ماشین سرکوب و خفقان را بیشتر به کار گرفته و تحریم اقتصادی را وسیله سرکوبی مردم قرار داده و میدهد. گرانی و گرسنگی و تهدیدهای جنگی در کنار بی کفایتی و فساد دستگاه حاکمه در ایران منگنه ای است که مردم ایران را در آن قرار داده اند تا شیره جان آنها را بمکند. برای مبارزه با گرانی، برای مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم و صهیونیسم، برای مبارزه و افشاء ایرانی های جاسوس و خودفروخته، باید تنها به مردم ایران تکیه کرد و به اتکاء آنها ایران را آزاد نمود. راه دیگری وجود ندارد.

به امید، پیروزی خورشید بر تاریکی و به امید شب یلدانی که سفره زحمتکشانشان پراز میوه جات و غذاهای رنگارنگ باشد؛ با صدای بلند میگوئیم: یلدای ما روزی بود کز ظلم و فقر و گرانی و تبهکاری آثاری نباشد!

"هر چه از فساد این دستگاه و فقدان قانونیت در ایران سخن برانیم کم گفته ایم. بانکها ورشکسته شده اند، زیرا اعتبار دهی به مشتریان با توصیه های آخوندها و دستخط آنها صورت پذیرفته است و حال بدهکار قادر نیست وام خود را پرداخت کند و البته از روز نخست نیز قادر نبوده است و به این ترتیب بانکها نمی توانند اموال به سرقت رفته را از ضامن این اعتبارات که روحانیت در قدرت است طلب کنند. کدام قانونی در ایران وجود دارد که مثلاً شیخ الاسلام هاشمی رفسنجانی و یا آیت الله شاهرودی، اژه ای، لاریجانی و... را به خاطر توصیه های اسلامی و ضمانت شخصی و بدون پشتوانه معتبر به زندان بباندازد. کدام رئیس بانکی وجود دارد که این توصیه های بی اعتبار را از ترس جان خویش نادیده بگیرد و فتوی دهد که توصیه های آقای شاهرودی، لاریجانی، اژه ای و... بی اعتبار است. مملکتی که بر این محور بچرخد که می چرخد، مصونیت قضائی و امنیتی در آن وجود ندارد. این چند خط فقط مشتکی از خروار و بیان وضعیت عمومی در ایران است. جمعی در میان ایرانیان وجود دارند که با تکیه بر این خیانتها، جنایتها، فساد و بی قانونی ها و... و تبلیغات بر سر آنها که بسیار به گوش خوش آمده و به دل می نشیند و واقعیت هم دارد، مانند همه آرزوی وضع بهتری را دارند. ولی در ارزیابی از این وضع بهتر فاجعه ای را توصیه می کنند که هم نشانه عدم اعتماد به مردم ایران و هم خوش بینی به بیگانگان است. البته بسیاری از این نادانان سیاسی و دلخستگان امپریالیسم پس از اینکه شاهد وضعیت افغانستان، عراق، لیبی، سوریه و... و ادعاهای کاذب امپریالیسم مبنی بر احترام به حقوق بشر، استقرار آزادیهای دموکراتیک و نهادینه کردن حقوق شهروندی، پیاده کردن دموکراسی، عدالت اجتماعی، به رسمیت شناختن استقلال و حق خود تعیینی سرنوشت و... بوده اند، حاضر شده اند در بی عملی خویش به تب جمهوری اسلامی راضی شوند. ولی نیروهای دیگری هم هستند که اعتقاد به نیروی خودی نداشته به بیگانه چشم دوخته و آرزو دارند که امپریالیستها به ایران حمله کرده و آنها نیز در پای رکاب امپریالیستها برای نیل به قدرت توسط امپریالیستها با دشمنان بشریت همکاری کنند. کتمان کرده و این جنایتکاران را آرایش نمایند. آنها مشاطه گران امپریالیسم نیز هستند."

نقل از توفان ارگان مرکزی حزب کار ایران شماره ۱۷۷ آذرماه ۱۳۹۳

دو خبر مهم در مورد دوی پروزی مهم "رابطه آمریکا با کوبا و اتحادیه اروپا با سازمان حماس"



یکم اینکه سرانجام امپریالیسم آمریکا پس از نیم قرن تحریم ضد بشری خلق کوبا برای به زانو درآوردن این کشور مستقل و مترقی دست به عقب نشینی زد و برای لغو تحریمها و برقراری روابط دیپلماتیک با دولت کوبا اعلام آمادگی نمود. نباید فراموش کرد که دولت باراک اوباما از سر صلحخواهی و عشق به ملت کوبا این تحریمها را لغو نمی کند. توطئه علیه انقلاب کوبا از همان فردای پیروزی بر حکومت سرسپرده آمریکائی باتیستا آغاز شد و تاکنون ادامه داشته و خواهد داشت. امپریالیسم آمریکا هیچ حکومت مستقلی را بر نمی تابد و تا استقرار سلطه مطلق خود بر سیاست و اقتصاد و فرهنگ و قوای نظامی... بر این ممالک از پای نخواهد نشست. لیکن مبارزه خلقها، اتحاد دولتهای مستقل و نیروهای مترقی و انقلابی در نهایت اثرات مثبت خود را خواهد گذاشت و بزرگترین نیروهای اهریمنی را وادار به عقب نشینی و شکست خواهد کرد. عقب نشینی امپریالیسم آمریکا در رابطه با کوبا نمونه موفقی از این دست است. دلایل این عقب نشینی را باید در کادر جنبشهای مترقی آمریکای لاتین و رها شدن چندین کشور از زیر سلطه آمریکا و اتحاد تنگاتنگ این کشورها و ایستادگی در مقابل زور گوییهای امپریالیسم آمریکا دید. استقلال کشورهای نظیر ونزوئلا، اکوادور، السالوادور، بولیوی، برزیل، آرژانتین... و تاثیرات این ممالک بر سایر کشورهای آمریکای لاتین شرایط مناسبی را برای تنفس کشور کوبا فراهم آورده است. همین امر سبب شده است تا امپریالیسم آمریکا با توجه به نفوذ اقتصادی و سیاسی چین و اتحادیه اروپا در آمریکای لاتین و رابطه دوستانه با کوبا، دست به عقب نشینی بزند و زهر تلخ شکست را بپذیرد.

تجربه تحریم جنایتکارانه کوبا و عقب نشینی آمریکا نشان می دهد هرگز به امپریالیسم آمریکا و هیچ کشور امپریالیستی نباید اعتماد کرد و با اتکا به نیروی مردم و اتخاذ سیاستهای دیپلماتیک صحیح و سودجستن از تضادهای بلوکهای امپریالیستی و سرمایه داری می توان به حفظ استقلال خویش دست زد و توطئه های نیروهای استعماری را خنثی ساخت. امپریالیستها به هیچ چیز جز به منافع سرمایه مالی خود پایبند نیستند. امپریالیستها هرگز نمی توانند دوست بی غرض کشوری باشند. امپریالیستها همیشه دشمنند. تا امپریالیسم در جهان وجود دارد، امنیت نیست و جنگ نمی تواند از بین رود. امپریالیسم یعنی تروریسم عریان. این واقعیتی است که باید ببینیم. در زمانهای بحران ماهیت این بازیگری های "دموکراتیک" بر ملا می شود. امپریالیسم آمریکا امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است و خلق کوبا به چنین هیولائی هرگز اعتماد نخواهد کرد اگرچه بعد از پنجاه سال ترور و توطئه در لباس دوست ظاهر شده است.

خبر مهم دوم اینکه اتحادیه اروپا همین امشب اعلام کرده است که سیاست تحریم سازمان مقاومت فلسطینی حماس و در لیست تروریستی قرار دادن این سازمان از همان آغاز یعنی سیزده سال پیش اشتباه بوده است و باید این سازمان را از لیست تروریستی خارج کرد.

سیزده سال پیش مردم فلسطین در یک انتخابات دموکراتیک با معیار غربی و حضور ناظران بین المللی سازمان حماس را بعنوان نماینده سیاسی خود انتخاب کردند. لیکن اتحادیه اروپا بنا بر ماهیت خویش و زیر فشار آمریکا و صهیونیستهای اسرائیل به توطئه و بایکوت علیه خلق فلسطین دست زد و سازمان حماس را در لیست تروریستی قرار داد و از هر نوع ارتباط رسمی با سازمان حماس اجتناب ورزید. اما همزمان همه این بزرگ دروغگویان امپریالیست به حمایت از محمود عباس یعنی بازنده انتخابات فلسطین و دولت غیرقانونی او پرداختند... امروز اما شرایط تغییر یافته است و عقربه ساعت به ضرر رژیم صهیونیستی اسرائیل و امپریالیسم آمریکا به حرکت درآمده است. در اتحادیه اروپا کشورها یکی پس از دیگری در حال به رسمیت شناختن دولت فلسطینی هستند و افکار عمومی مردم اروپا بویژه پس از قتل عام مردم غزه و جنایات فاشیستی و کودک کشی اسرائیل در تابستان گذشته پذیرای جنگیات صهیونیستها نیست و مردم با فشار بر دولتهای خود خواهان محکومیت اسرائیل و به رسمیت شناختن فلسطین هستند. لذا اتحادیه اروپا امروز ناچار است دست به تجدید نظر در رابطه با حماس زده و به سیاست ارتجاعی خود اعتراف کرده است. چنین سیاستی با هرانگیزه ای که باشد با توجه به توازن قوای بین المللی به سود به ملت فلسطین و به زیان رژیم صهیونیستی اسرائیل و امپریالیسم آمریکاست. فقط دوستان رژیم صهیونیستی اسرائیل از چرخش سیاست اتحادیه اروپا خشم گین هستند و به رسمیت شناختن سازمان حماس را بعنوان یکی از سازمانهای عمده جنبش مقاومت فلسطین و نماینده خلق فلسطین تقبیح میکنند.

اما همانطور که بارها گفته ایم مبارزه مردم قهرمان فلسطین حمایت جهانی خلقهای جهان را نیز بدنبال دارد. اعتراضات جهانی گسترده آنهم در شرایط بحران مالی سرمایه داری ناجی صهیونیستها و امپریالیستها نخواهد بود، بر عکس مبارزه توده های مردم و طبقه کارگر را تشدید می کند. فضا را برای نفوذ نیروهائی که خواستهای مردم و آمال ملت فلسطین را بیان می کنند، خواستار وحدت و بیگانگی ملی برای امرنبرد علیه دشمن متجاوز هستند بازمی گرداند. حزب کارایران (توفان) از مبارزه ملت قهرمان فلسطین برای بیرون ریختن صهیونیستها از سرزمینشان حمایت میکند و هر نوع عقب نشینی دول امپریالیستی و به رسمیت شناختن دولت فلسطینی را به فال نیک میگیرد و آن را به سود خلق فلسطین می داند.

زنده باد خلق قهرمان فلسطین! نابود رژیم صهیونیستی اسرائیل!

توفان

سخن هفته

چهارشنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۳

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

دیماه ۱۳۹۳



از زندانیان سیاسی اعتصابی ارومیه و مطالبات برحقشان حمایت کنیم

۲۹ نفر از زندانیان سیاسی اعتصاب کننده در زندان ارومیه بیش از ۳۰ روز است که بخاطر وضعیت حاکم بر زندان و تشدید فشار بر آنها دست به اعتصاب غذا زده اند.

مسئولان جنایتکار امنیتی و قضائی زندان ارومیه، روز پنجشنبه ۲۷ آذرماه به زندانیان اعتصابی یک هفته مهلت دادند تا اعتصاب خود را پایان دهند. لیکن زندانیان معترض اعلام داشتند که به شرطی به اعتصاب غذایشان پایان خواهند داد تا به مطالبات برحقشان پاسخ مثبت داده شود. طبق گزارشات رسیده وضعیت جسمی بسیاری از زندانیان اعتصابی وخیم است و جان برخی از آنها در خطر است. مطالباتی را که زندانیان طرح کرده اند و بر آن همچنان پای میفشارند: "تفکیک جرایم و داشتن بند سیاسی مستقل، توقف رفتارهای غیرانسانی با زندانیان، تبعید زندانیان سیاسی و قطع ارتباطشان با بیرون، حضور گارد ویژه در زندان و ضرب و شتم زندانیان سیاسی و انتقالشان به سلولهای انفرادی، پروندهسازی مجدد، تحقیر زندانیان و خانواده هاشان، اعمال فشار بر خانواده های زندانیان سیاسی و استفاده ای از خانواده ها همچون اهرم فشار برای شکستن اراده مبارزان دربند و ممنوعیت حق دفاع از خویش و گرفتن وکیل، از جمله مطالبات این زندانیان معترض بوده است". ... مطالباتی انسانی است و فقط یک رژیم ضد بشری و آدمکش از پاسخ به چنین خواسته های انسانی طفره میرود تا جان این زندانیان را بگیرد. رژیم جمهوری اسلامی همانند رژیم پهلوی با توسل به حربه فشارهای روانی و فرستادن زندانیان سیاسی به بندهای بزهاران و معتادان آهنگ آن دارد تا مقاومت زندانیان سیاسی را درهم بشکند و صدای هر اعتراضی را خاموش سازد. رژیم انسان ستیز جمهوری اسلامی در تاریخ جنایات خود نشان داده زندانیان سیاسی را گروگان خود می پندارد که هر زمان اراده کرد همانند رژیم خود فروخته و جنایتکار پهلوی می تواند کابوس مرگ را برفراز زندان به پرواز در آورد و آنان را بصورت فردی و یا جمعی به قتل برساند. لیکن اراده مبارزین را با هیچ سلاحی و از همه مهمتر با سلاح شکنجه و قتل و هجوم بربرمنشانه نمی توان درهم شکست.

حزب کارایران (توفان) از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی و مطالبات برحقشان قاطعانه حمایت میکند و همگان را به اعتراض علیه فشارهای جمهوری اسلامی بر زندانیان سیاسی فرا می خواند. باشد تا با افشای گسترده و بی امان رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و جلب افکار عمومی مردم آزاده و مترقی جهان نقش شایسته ای در حمایت از زندانیان سیاسی دربند و آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی ایفا کنیم.

آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران!

حزب کارایران (توفان)

یکشنبه ۳۰ آذر ۱۳۹۳

یادی از رفیق حسین عزتی کمره ای



حسین عزتی کمره ای

رفیق حسین عزتی کمره ای در سال ۱۳۳۱ در تهران به دنیا آمد و پس از اتمام دبیرستان در رشته ریاضی ادامه تحصیل داد. رفیق کمره ای در سال ۵۰ خورشیدی به سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان پیوست و در مهر ماه همان سال توسط ساواک دستگیر شد. رفیق حسین عزتی کمره ای ابتدا گرایش به اسلام و اندیشه التقاطی توحیدی داشت که سرانجام با نفی ایدالیسم و نفی مشی مسلحانه جدا از توده و موضع گیری علیه رویزیونیسم شوروی با پیوستن به توفان به مارکسیست لنینیست متحول شد.

رفیق عزتی مدتی در زندان ساری بسر برد و در زندان با زنده یاد تقی شهرام آشنا گردید و طبق اسناد منتشره تأثیرشگرفی بر افکار تقی شهرام گذاشت. رفیق عزتی پس از فرار از زندان ساری راهی خوزستان گردید و طبق یادداشت‌های تقی شهرام " حسین عزتی چند ماه بعد، در شهریور ۱۳۵۲، در قطار راه آهن بین اهواز و خرمشهر به طور مشکوک به دام افتاد و در ساواک آبادان زیر شکنجه کشته شد."

و لطف الله میثمی در رابطه با رفیق عزتی می‌نویسد:

«حسین عزتی... از مارکسیست‌های تئوریک بود... با گروه توفان ارتباط داشت و جنبش مسلحانه را هم قبول نداشت. عزتی مارکسیسم را خوب مطالعه کرده بود و به نظر من تأثیر عمیقی بر تقی شهرام به لحاظ دیدگاه‌های مارکسیستی گذاشته بود.»

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!

برگرفته از کتاب مرغان پرکشیده توفان (کتاب جانبختگان توفان)

چاپ دوم از انتشارات حزب کارایران (توفان) اردیبهشت ۱۳۹۳

بی ضرر کردن کارل مارکس و بازگشت به او

اخیرا مطلبی تحت عنوان "کارل مارکس، انسان شناس" از برایان موریس و ترجمه آقای حسام حسین زاده در تارنمای مجله هفته منتشر شد. سوی تعریف و تمجیدی که نویسنده از "ویژه گیهای جامعه شناختی و انسان شناسی و تاریخی" .. کارل مارکس میکند به تجلیل از اومی پردازد لیکن در پایان مقاله، ضدیتش را با هسته انقلابی مارکسیسم که بیانگر جوهر تفکر مارکس است، پنهان نمی دارد و با یک چرخش قلم به نفی دوانقلاب کبیر اکتبر سوسیالیستی شوروی و چین می پردازد و از "دیکتاتوری مطلق تک حزبی و استبداد و ظلم و زوری که توسط لنین و استالین و مائو بر مردم این دوکشور اعمال شد" سخن می گوید. وی مطلبش را چنین به پایان میبرد:



"با وجود اینکه انسان شناسی نمونه و پیشگام بود، مارکس همچنان توسط متفکران لیبرال معاصر به عنوان روشنفکری «تاثیرگذار» پذیرفته نمی شود، و در قبال سیاست استبدادی و ظلم و ستم اتحاد جماهیر شوروی در زمان استالین و دولت چین تحت سلطه مائو، مسئول شمرده می شود. البته، هر دوی این ها اشکالی از سرمایه داری دولتی تحت حمایت یک حزب بودند، و به دور از اندیشه خود مارکس از سیاست های دموکراتیک و تصور او از جامعه کمونیستی بودند».

شاید، به عنوان آخرین کلمات، ما بتوانیم از فیلسوف پراگماتیست، سیدنی هوک، پیش از اینکه به مدافع امپراطوری امریکا تبدیل شود، نقل قول کنیم، او نوشته است: «مارکس سوسیالیستی دموکرات، انسان گرایی سکولار، و مبارزی برای آزادی انسان ها بود. کلمات و اعمال او منعقد بود به یک روش زندگی و استقلال انتقادی که به طور کامل در تقابل با حکومت مطلق دیکتاتوری تک حزبی در اتحاد جماهیر شوروی بود».

همانطور که سخن رفت برایان موریس ظاهر خود را هوادار پر حرارت اندیشه انقلابی کارل مارکس و جامعه ای نشان میدهد که گویا او درمانیفست حزب کمونیست و سایر آثار ارزشمندش نظیر هجدهم برومر لوئی بناپارت و یا در جمع بندی از کمون پاریس..... ترسیم نمود. اما واقعیت این است که برایان موریس نه از منظر یک مارکسیست لنینیست بل از منظر یک لیبرال "چپ"، یک هوادار دوآتشه "پلورالیسم بوژوایی و سیستم چند حزبی سیاسی" به مارکس می نگرد و با توسل به چماق شناخته شده "استبداد مطلق تک حزبی" به نفی دوانقلاب کبیر اکتبر شوروی و چین که دستاوردهای عظیمش در تاریخ بشریت غیر قابل کتمان است می پردازد و «دیکتاتورهایی» نظیر لنین و استالین و مائو... را در مقابل مارکس «دمکرات» قرار میدهد!! غافل از این که هیچ مدعی مارکسیستی نمی تواند مدافع مارکس باشد اما از مبارزه طبقاتی فراتر نرود و به بسط آن تا استقرار دیکتاتوری پرولتاریا، ساختمان سوسیالیسم و گذار به کمونیسم اعتقاد نداشته باشد. چنین کسانی برای "بی ضرر" کردن مارکس و مارکسیسم به میدان آمده اند. مارکس چون می دانست عده ای لیبرال مسلک ضد حزبی از کتاب مانیفست اوسوء استفاده خواهندکرد از همان آغاز با دوراندیشی ژرفی نام مانیفست را مانیفست حزب کمونیست گذاشت و در همان کتاب نخستین گام برای سوسیالیسم را کسب قدرت سیاسی، الغای مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و استقرار فاز دوره اول کمونیسم یعنی سوسیالیسم را بصورت درخشانی فرموله نمود. لنین با الهام از اندیشه مارکس در دوران دیگری دوره سرمایه داری انحصاری، دوره امپریالیسم تئوری سوسیالیسم علمی را بطور استنادانه ای در عمل پیاده نمود و طبقه کارگر را تحت رهبری حزب کمونیست بلشویک به یک پیروزی بزرگ تاریخی رسانید. حالا باید از آقای برایان پرسید که اگر مارکس "دمکرات، انسانگرا و سکولار" بجای لنین «غیردمکرات» در دوره روسیه ۱۹۱۷ می زیست چه میکرد، راه منشویکی را می پیمود، راه رویزیونیستی نظیر کائوتسکی و یا راه اپوزیسیون کارگری ضد حزبیون و باکونیستهای آنارشیست را طی میکرد، ساختمان سوسیالیسم را با دستکش سفید بنا میکرد، جنگ کبیری میهنی ضد فاشیستی را با دعا و صلوات و بحثهای روشنفکرانه و پلورالیستی و ترنسکیستی علیه هیتلر پیش می برد...؟ الا آخر

اینروزها بی ضرر کردن مارکس و مارکسیسم و بازگشت به او مد روز است. بی ضرر کردن مارکس یعنی حذف دیکتاتوری پرولتاریا و نفی حزب واحد کمونیست بعنوان فرمانده و مغز متفکر طبقه کارگر و انکار تمام دستاوردهای صد و پنجاه ساله جنبش کمونیستی جهانی و جز این نیست.

در زیر مقاله ارزشمندی را که در مورد "بی ضرر" کردن مارکس تحت عنوان تعریف از "ریش مارکس و حمله به مغز وی" در مهرماه ۱۳۸۶ در توفان الکترونیکی شماره ۱۴ به چاپ رسانده ایم بار دیگر به انتشار آن مبادرت میورزیم تا پاسخ شایسته ای به برایان موریس و همه حامیان فلسفه "بازگشت به مارکس" داده باشیم.

تعریف از ریش مارکس و حمله به مغز وی

امروز بسیاری شاهدند که برخی مدعیان هواداری از منافع طبقه کارگر از راهی که رفته اند و شاید از روز نخست به آن اعتقادی نداشته اند، سراسیمه برمی گردند. درگذشته اگر بودند کسانی که از مارکسیسم لنینیسم چون پذیرش مارکسیسم مدرن بود یک ذره نزول نمی کردند، همان کسان امروز از مخالفان سرسخت مارکسیسم لنینیسم شده و با استفاده از منابع قدیم و جدید آنتی کمونیستی درنکوهش مارکسیسم لنینیسم سینه چاک می دهند و کاغذ سیاه می کنند. این طور بنظر می آید که فریادهای ناهنجار و گوشخراش آنها بیشتر از آن جهت است تا گذشته خود را تبرئه کنند. البته اینان از انتقاد به مارکس شروع نکرده اند. نخست به انتقاد از استالین پرداختند و سپس پای لنین را به میان کشیدند و آنوقت کاسه کوزه ها را بر سر مارکس وانگلس خراب کردند و سرانجام زمینه دفاع از نظام "جاودانی" سرمایه داری را فراهم آوردند. برخی از آنان هنوز که هنوز است خود را مارکسیسم جلوه می دهند ولی مارکسیسم را از ماهیت انقلابی آن تهی کرده تا حد یک نظریه جالب که دیگر به تاریخ تعلق دارد و باید مایه ای برای مطالعات اندیشمندان و پژوهشهای علمی باشد تنزل می دهند. برای آنها مارکسیسم نیز مانند سایر کتب نگهداری شده در کتابخانه هاست و بدرج مراجع محققها می خورد. تحقیق آنها نیز در مارکسیسم نه برای آن است که از آن اسلحه ایدئولوژیک و انقلابی برای بسیج طبقه کارگر بسازند، بلکه بیشتر به آن خاطر است که مطالبی در رد آن پیدا کرده و در حالیکه از ریش مارکس تعریف می کنند مغز وی را مورد حمله قرار می دهند.

بی اعتقادی به مارکسیسم لنینیسم صرفا یک برخورد آکادمیک نیست، یک بازی فکری روشنفکرانه نمی باشد. کسی که دیگر مارکسیست نیست و آنرا بدور انداخته و مورد قبولش نیست طبیعتا با نتیجه گیریهای علمی مارکسیسم نیز موافقتی ندارد حتی اگر با آن علنا به مخالفت برنخیزد. مارکسیسم لنینیسم علم تحول اجتماع است. این علم به انسانها می آموزد که نظامهای تولیدی و اجتماعی در نتیجه مبارزه طبقاتی به دنبال یکدیگر آمده و سرانجام بشریت ره به جایی می رساند که برای پایان دادن به جنگها، به مبارزه طبقاتی، به عدالت اجتماعی و زندگی انسانی استثمار را از بین ببرد و طبقه کارگر را بمنزله محمل سوسیالیسم به قدرت بنشانند و جامعه را به سوی جامعه کمونیستی بکشاند.

مارکسیسم لنینیسم به تکامل جامعه و به سوسیالیسم و گذار از آن به کمونیسم اعتقاد دارد. جامعه کمونیستی جامعه ایست که در آن انسان بدرجه عالی انسانیت نایل می گردد و به کمال مطلوب دست می یابد. در آن جامعه هرکس باندازه استعدادش کاری کند و در حد نیازش از جامعه بهره می برد. نفرت ملی و طبقاتی از بین می رود، تفاوت کار فکری ویدی ناپدید می شود، پول و ثروت، فقر و گرسنگی مفهوم خود را از دست می دهد و مقولاتی خواهند بود که به تاریخ سپرده می شوند. مرزهای ملی از میان می روند و کره خاکی سرزمین همه انسانها صرفنظر از رنگ، نژاد، زبان و فرهنگ آنهاست. این آن جامعه ایست که مارکسیسم لنینیسم در پی پی ریزی آن است که پی ریزی آن با مقاومت و مخالفت طبقات، گروهها و افرادی روبرو می شود که منافعشان در حفظ نظم فعلی است. آنهایی که زندگی ز الوار خود را مدیون مناسبات حاکم استثمار در طی تاریخ بشریت تا کنون بوده اند و هستند. این ایده آل انسانی به انسانهای شریف، به رزمندگان راه طبقه کارگر نیرو می دهد تا برای بنیانگذاری چنین جامعه ای یعنی برای نیل به سوسیالیسم که آلترناتیو جامعه سرمایه داریست پیکار کنند و در این راه به تنها طبقه تا به آخر انقلابی یعنی طبقه کارگر بطور عمده تکیه نمایند. حزب مستقل سیاسی و طبقاتی طبقه کارگر را تشکیل دهند و از شکستها برای نیل به پیروزی محتوم تجربه بیاندوزند. انسانهایی که که چنین می اندیشند، نمی توانند سقوط کنند. آنها به آینده می نگرند و می دانند که پس از این شب سیاه روز روشنی وجود دارد که نامش سوسیالیسم است، شکست ناپذیرند.

سوسیالیسم مورد کینه دشمنان انسانهاست و تمام نیروی خود را برای نابودی آن بکار می برند. شکست کمون پاریس، انقلاب مجارستان، جمهوری شورائی ایالت باواریای آلمان، انقلاب شوروی و چین و آلبانی از سختی راهی که در پیش است پرده برمی دارد. کمونیستها ولی از این شکستها به زاری نمی افتند، توبه نمی کنند، همه چیز را تمام شده تلقی نمی نمایند، دوباره برمی خیزند و لباس جنگ می پوشند و خود را برای نبرد بعدی تا روز قطعی جدال آماده می کنند.

روشنفکران خرده بورژوا که دنبال مد روز به مارکسیسم روی آورده بودند با فروپاشی شوروی تصور کردند که این سوسیالیسم بود که دچار شکست شد. آنها همه امید خود را از دست داده اند و به جامعه متحول بعدی، به آینده انسان آزاد اعتقادی ندارند. برای آنها همین است که هست و باید با آن ساخت. نظام سرمایه داری جاودان است و پیشگوئی های مارکسیسم لنینیسم تحولات پوچی بیش نبوده است. ما به این اشاره نمی کنیم که امپریالیستها و سرمایه داران و سازمانهای جاسوسی و عمال مزدور آنها تا به چه حد در این تنور یاس و نا امیدی هیزم می افکنند. فردیکه چنین دورنمایی ندارد از امروز به فردا سقوط می کند. برای وی نظام سرمایه داری پایان تاریخ است و پس از آن هیچ چیز دیگری نیست. تکامل تاریخ به پایان می رسد و لذا تمام تلاش وی نه در جهت تغییر بنیادی اجتماع بلکه در جهت

اصلاح آن است. اصلاحاتی که زندگی وی را بهتر کند. پارلمان بورژوازی، پلورالیسم، تعدد احزاب، پارلمانتاریسم و..... کاماتی است که مرتب برزبان می آورد و جار می زند که گویا با این داروهای تجربه شده کشنده می توان جامعه انسانی برپا کرد. البته جامعه سرمایه داری " انسانی"

سوسیالیسم برای این عده معنی ندارد. پس چگونه ممکن است که آنها افراد مبارزی از کار درآیند. کسی که به تحول اعتقادی ندارد، کسی که سکون را پذیرفته است فقط می تواند خود را بر این سکون وفق دهد. این افراد در بهترین حالت خود مدافع جوامع سرمایه داری "دموکراسیهای" غربی اند توگویی ممالک دیکتاتوری آمریکای لاتین ویا ایران و نظایر آنها از خانواده جوامع سرمایه داری نیستند. ما برای اینکه از بحث دورنیافتیم اشاره نمی کنیم که علت این تفاوتها درکجاست. همین افراد در بدترین حالت خود هوادار رفسنجانی و اصلاح طلبان دوم خردادی و نظایر آن می شوند و چرا که نشوند. آنها که وقتی در اندیشه خود به بطلان سوسیالیسم رسیده اند و مارکسیسم لنینیسم را پندارهای واهی دانسته اند ولذا به نقش انقلابی طبقه کارگر اعتقادی نداشته و وجود استعمار وحتا استعمار را نفی می کنند، چرا نباید از سرمایه داری حاکم در ایران دفاع نکنند. تمامیت انتقاد آنها را به رژیم سرمایه داری کنونی ایران می توان در مجموعه ای از نق زدن خلاصه کرد که آنها بزودی رفع می گردد تا دیگر ملالی از ورشکستگان اصلاح طلبان دوم خردادی نداشته باشند. سروش این چماقدار انقلاب فرهنگی رژیم در دانشگاه به پیغمبر آنها بدل می گردد، مشکلاتشان در حد محدودیت برای موسیقی پاپ، پوشش اسلامی، وحق آزادی بیان برای حمایت از سرمایه داری باقی می ماند.

پرسش این است که این خیل رمیده و توبه کار چه دورنمایی غیر از این می تواند داشته باشد. وقتی با سرمایه داری مانند شاخ گاو نمی توان در افتاد و آن را از بین برد برای اینکه بزعم آنان جایگزینی ندارد پس فقط باید آنرا آرایش کرد و برای همه قابل هضم گردانید، باید به زندگی شخصی رسید و بار خود را بست تا بار برای زندگی دیگران را. سقوط عده ای که از کسب قدرت سیاسی و سوسیالیسم دست می کشند و به چاکران بورژوازی بدل میشوند در این نهفته است که دیگر آرمانی ندارند که برای آن پیکار کنند. آرمان آنها همین منزل آخر است که به آن رسیده اند و در فکر زیور آن هستند. هرکس که امید خود را از دست بدهد و به پایان شب سیاه امیدی نداشته باشد به همین سر نوشت دچار می شود. آنها که بدنبال رویزیونیستها، شوروی را کشور سوسیالیستی تبلیغ می کردند، زودتر از بقیه با فروپاشی شوروی، به کام نهنگ سرمایه داری فرو رفته و می روند.

یا قبول سوسیالیسم و مبارزه برای نیل به جامعه انسانی و یا فرورفتن به منجلا ب حمایت از سرمایه داری در اشکال گوناگون آن. آنکس که امروز به مارکسیسم لنینیسم حمله میکند دیر یا زود در عرصه تشدید مبارزه طبقاتی در کنار دشمن طبقاتی قرار خواهد گرفت. این مسئله فقط یک مسئله زمانی است و کمونیستها باید این واقعیت را برای تعیین برنامه استراتژیک خود از هم اکنون بدانند. آنها که اینروزها به مغز مارکس حمله میکنند ولنینیسم را به ریشخند میگیرند، همین آرمان بریده هائی هستند که از انقلاب بعدی، از مبارزه طبقه کارگر، از قهر انقلابی، از مبارزه کمونیستها، از مبارزه آزادیخواهان برای آزادی و استقلال و پیکار علیه امپریالیسم می هراسند. آنها راه دیگری جز حمایت از سرمایه داری ندارند و رژیم جمهوری اسلامی نیز جز چیز دیگری جز سرمایه داری نیست. می بینیم که دوری از سوسیالیسم و حمایت از سرمایه داری چه عواقب حشتناکی برای میهن ما دارد. راه نجات مردم ایران در استقرار یک نظام سوسیالیستی در ایران است و جز این نیز نخواهد بود.

* * * *

"کائوتسکی لازم میسرمد دیکتاتوری را بمثابة "حالت سیادت" تفسیر نماید، زیرا در این صورت اعمال قهر انقلابی محو میگردد و انقلاب قهری ناپدید میشود. "حالت سیادت" حالتی است که هر اکثریتی در شرایط... "دمکراسی" در آن قرار دارد! با چنین نیرنگ شیدانه ای انقلاب بدون هیچ در دسر ناپدید میگردد!

ولی این شیدای بسیار ناشیانه است و نمیتواند کائوتسکی را نجات بخشد. این که دیکتاتوری به مفهوم و معنای آن "حالتی" از اعمال قهر انقلابی طبقه ای علیه طبقه دیگر است که مطبوع طبع مرتدین نمیباشد، حقیقتی است همانند "چشمه خورشید که با گل نمیتوان آن را اندود". پوچی فرق قائل شدن بین "حالت" و "شکل کشورداری" عیان و آشکار است. سخن گفتن درباره شکل کشورداری در اینجا سفاکت به قوه ۳ است، زیرا هر بچه ای میدانند که سلطنت و جمهوری اشکال متفاوتی از کشورداری هستند. باید به آقای کائوتسکی ثابت کرد که هر دوی این شکلهای کشورداری مانند تمام "شکلهای" گذرنده "کشورداری" در دوران سرمایه داری، تنها نوعی از دولت بورژوازی یعنی دیکتاتوری بورژوازی هستند.

سرانجام صحبت از شکل کشورداری نه تنها تحریف سفیهانه بلکه تحریف ناشیانه گفته مارکس است که با وضوح تمام در اینجا از شکل یا تیپ دولت سخن میگوید، نه اینکه از شکل کشورداری.

انقلاب پرولتری بدون انهدام قهری ماشین دولتی بورژوازی و تعویض آن با ماشین جدیدی که بقول انگلس "دیگر دولت به معنای اخص کلمه نیست"، محال است.

کائوتسکی لازم میسرمد تمام اینها را ماستمالی کند و تحریف نماید، زیرا خط مشی مرتدانه وی این امر را ایجاب میکند"

انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرتد(لنین)

گزارش مختصری از بیستمین سالگرد کنفرانس بین المللی در ترکیه



جشن بزرگداشت بیستمین سالگرد تأسیس کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیستی لنینیستی IKLPO با میزبانی حزب کار ترکیه (EMEP) در استانبول - روز ۲۳ نوامبر ۲۰۱۴ برگزار گردید که در آن هزاران نفر شرکت نمودند. سالن برگزاری مراسم بخاطر استقبال فراوان در حال انفجار بود و جمعیت حاضر تا جلوی صحنه به صف ایستاده بودند. کارگران زن و مرد که از نقاط مختلف ترکیه به استانبول آمده بودند گروه گروه با دادن شعار هایی از قبیل: کار- نان - آزادی و مرگ بر فاشیسم! آزادی خلق و زنده باد انقلاب و سوسیالیسم از خیابانهای شهر عبور کرده و وارد سالن مراسم می شدند. حین ورود به سالن شعارهای تظاهرکنندگان از طرف حضار دائم تکرار میگردید.

بعد از خوش آمد به نمایندگان، شوراهای محلی و شهرداران، نمایندگان سندیکاها و سازمانهای دوست، فیلمی از چگونگی تشکیل کنفرانس و تاریخچه آن به نمایش در آمد. یک هیئت نمایندگی از کارگران Soma به صحنه آمدند و از مبارزات خویش سخن گفتند. یکی از نقاط عطف این جلسه، سخنرانی رفیق Selma Gürkan رهبر حزب کار ترکیه بود که در اهمیت تشکیل کنفرانس بین المللی و همکاری سازمانها و احزاب مارکسیستی لنینیستی سخنرانی نمود. وی در سخنانش از کار کنفرانس بین المللی و فعالیتهای ۲۰ ساله آن تجلیل نمود و به دولت دیکتاتوری ترکیه و سیاستهای ضد کارگری و ضد خلقی وی شدیداً حمله نمود. سخنان وی دائماً توسط جمعیت بوجد آمده قطع میگردید. سپس هیئت نمایندگی تشکلهای مارکسیستی لنینیستی به صحنه آمده و با یکدیگر پازلی را تشکیل داده که بر روی آن به چهار زبان بیست سالگی کنفرانس بین المللی را تبریک گفتند.

نمایندگان ۲۱ حزب و سازمان مارکسیستی لنینیستی در صحنه حضور داشتند. رفیق رئول نماینده حزب کمونیست اسپانیا/ مارکسیست لنینیست از طرف کلیه احزاب و سازمانهای شرکت کننده از حزب کار ترکیه برای برگزاری این جشن با شکوه قدر دانی نموده و براهمیت کنفرانس بین المللی تأکید ورزید. رفیق رئول اعلام نمود که هم اکنون تعدادی از احزاب برادر متشکل در کنفرانس بین المللی از جمله تونس و بورکینا فاسو در صف مقدم جبهه مبارزه طبقا تی قرار دارند هر روز بر محبوبیت و نفوذ شان در بین کارگران وزحمتکشان افزوده میگردد.

برنامه های هنری ترکی و بین المللی در بین سخنرانیهها اجرا گردید که مورد استقبال فراوان مدعوین قرار گرفت. سپس صلاحدین دمیرتاش از کردهای ترکیه که کاندیدای مشترک کلیه نیروهای پیشرو منجمله حزب کار ترکیه و HDP در انتخابات ترکیه بود به سخنرانی پرداخت. صلاحدین دمیرتاش تأکید نمود که رابطه برادری بین ترکها و کردها از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است، وی از طبقه کارگر بعنوان نیروی اصلی مبارزات نام برده و از اهمیت سرزمینهای آزاد در کردستان سوریه و مبارزات در کوبانی یاد نمود. وی در پایان خواهان همبستگی و حمایت مردمی شد و کلیه حاضرین در سالن از وی پشتیبانی نمودند.

در پایان گروه موسیقی که در اعتراضات اخیر در پارک قاضی از محبوبیت خاصی برخوردار گردید برنامه های بسیار متنوعی اجراء نمود که نه فقط مورد توجه جوانان قرار گرفت بلکه افراد مسن نیز از آن بهره بسیار بردند. بدینترتیب این مراسم با شوق زندگی و

نیروی لایزال که در درون حرکت سوسیالیستی و مارکسیستی لنینیستی نهفته به پایان رسید، این همایش نیروی محرکه ای است برای يك آینده مشترك و نبرد برای يك دنیای نوین.

احزابی که در این کنفرانس حضور داشتند یدین قرارند: حزب کمونیست بنین، حزب کمونیست انقلابی برزیل، حزب کمونیست کارگران دانمارک، حزب کمونیست کار جمهوری دومونیک، حزب کمونیست اکوادور مارکسیست لنینیست، حزب کمونیست کارگران فرانسه، سازمان احیاء حزب کمونیست آلمان، پلاتفرم کمونیستی ایتالیا، سازمان راه دمکراتیک مراکش، حزب کارگران تونس، حزب کمونیست مارکسیست لنینیست ونزوئلا، حزب کمونیست انقلابی ولتای علیا (بورکینا فاسو)، حزب کارگران پاکستان، نشریه دمکراسی انقلابی هندوستان، سازمان احیاء حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست کلمبیا مارکسیست لنینیست، حزب کمونیست مکزیک مارکسیست لنینیست، حزب کمونیست اسپانیا مارکسیست لنینیست، حزب کمونیست پرومارکسیست لنینیست، حزب کارترکیه و حزب کارایران (توفان).

هم چنین پیشنهاداتی از سوی حزب کارایران (توفان) و بسیاری از رفقای حاضر در کنفرانس برای تصویب قطعنامه های پایانی کنفرانس ارائه گشت که همگی با موافقت مجموعه رفقای حاضر در کنفرانس به تصویب رسیدند

پیروزی بر فاشیسم چهره‌ی جهان را تغییر داد

"..... پیروزی بر فاشیسم چهره‌ی جهان را تغییر داد. از این مبارزه‌ی دیکتاتوری پرولتاریا و نتایج دست آوردهای ۲۸ ساله‌ی سوسیالیسم در شوروی سربلند و پیروزمند به درآمد. خلق‌های اتحاد جماهیر شوروی و طبقه‌ی کارگر قهرمان آن یکپارچه در زیر پرچم حزب کمونیست اتحاد شوروی گرد آمدند و چون تنی واحد کلیه‌ی توطئه‌های فاشیست‌ها و امپریالیست‌های انگلیس، فرانسه و آمریکا را نقش بر آب کردند. پیروزی بر فاشیسم، شکست توطئه‌های امپریالیسم، فروریختن نظام مستعمراتی، پیدایش اردوگاه سوسیالیسم و رشد عظیم جنبش وسیع کارگری در سراسر جهان، حاکی از حقانیت سوسیالیسم بود که در طی دوران طولانی و در عمل برتری خود را به ثبوت رسانده بود.

مردم سراسر جهان می‌دانند که بسیج و رهبری اتحاد شوروی در جنگ کبیر میهنی، سازمان دادن و رهبری نیروهای افسانه‌ای ارتش سرخ که قدرت نظامی آلمان را نابود کرد و بر آن پیروز شد، مبارزه‌ی دیپلماتیک حاد به منظور تأمین صلح عادلانه، پس از جنگ، با نام استالین عمیقاً درآمخته است استالین منبع الهام میلیون‌ها مردم گیتی و طبقه‌ی کارگر جهان، از پارتیزان‌های فرانسه تا کمونیست‌های چینی بود و این حقیقت را با هیچ ساتری نمی‌توان کتمان کرد

حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی با مهارت و تردستی مبارزه‌ی طبقاتی را در عرصه‌ی دیپلماتیک هدایت کرد و با خنثی نمودن توطئه‌ی امپریالیست‌های انگلیس، فرانسه و آمریکا و با استفاده از تضادهای میان امپریالیست‌ها و ارزیابی مارکسیستی از اوضاع سیاسی جهان، فاشیسم هیتلری را به انزوای کامل کشانید. استالین می‌دانست که امپریالیست‌ها نمی‌توانند برای مدت مدید استقرار دیکتاتوری پرولتاریا را در کنار خود تحمل کنند، زیرا این حقیقت که طبقه‌ی کارگر شوروی با آزادی یک ششم کره‌ی ارض و لغو کار مزدوری و پایان بخشیدن به استثمار، چون منبع الهامی برای طبقه‌ی کارگر، بویژه اروپا بود، همچون خاری در چشمان امپریالیست‌ها می‌خُلید. استالین با هوشیاری طبقاتی و با درک عمیق خود از تحولات سیاسی و آینده‌نگری ژرف خود، اتحاد جماهیر شوروی را برای دفع تجاوز فاشیست‌ها و امپریالیست‌ها آماده کرد و به نیروئی قدرتمند برای دفاع از آزادی و دموکراسی و رهائی بشریت بدل نمود.

آنان که امروز نام استالین را از جنگ کبیر میهنی می‌زدایند، تحریف‌گر تاریخ و مثنی‌یاه گو و عوامفریبند و آنان که در حمله به استالین، به حمایت از هیتلر می‌پردازند و در معاملات کثیف کنونی خود دست آورد های سوسیالیسم را در دوران استالین قربانی می‌کنند، از دار و دسته‌ی همان دشمنان سوسیالیسم و در رأس آنها رویزیونیست‌های شوروی و فاشیست‌های آلمانی و امپریالیست‌های آمریکا، اروپای غربی و ژاپن قرار دارند....."

زنده باد سوسیالیسم این پرچم رهائی بشریت!

توفان شماره ۱۷۸ دی ماه ۱۳۹۳ ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترتسکیسم و شبه ترتسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

پاره‌ای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

***تحریف کنندگان تاریخ** سندی تاریخی از انتشارات دفتر اطلاعاتی شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

***درافشای ماهیت "حزب کمونیست کارگری ایران" در دو جلد از انتشارات حزب کار ایران (توفان)**

* **مرغان پرکشیده توفان. جانباختگان توفان. چاپ دم اردیبهشت ۱۳۹۳**

* گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی

* سفری به کره شمالی. از انتشارات حزب کار ایران (توفان) اردیبهشت ۱۳۹۳

* جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین

* مارکسیسم و مسئله ملی - استالین

* ترتسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولزین

* سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی

* مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس

* * توطئه بزرگ کتاب سوم

* * توطئه بزرگ کتاب چهارم

در خطه حکمرانی اسرائیل اثر ارزشمندی از بهروز افراشته

سرزمین اشغال شده فلسطین توسط عزرائیل

ما خواندن این کتاب را به همه علاقمندان و پژوهشگران و مبارزین راه زادی و استقلال و سوسیالیسم توصیه میکنیم



آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

لینک چند وبلاگ حزبی

وبلاگ توفان قاسمی

<http://rahetoufan67.blogspot.se/>

ظفر سرخ وبلاگ

<http://kanonezi.blogspot.se/>

آگاه وبلاگ کارگر

<http://www.kargareagah.blogspot.se/>

کتابخانه اینترنتی توفان سایت

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

توفان سایت آرشیو نشریات

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

تویتر توفان در

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>